

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری  
تشکیلات و صلاحیت در دادگاه‌های

کیفری بدوی

(دکترین و رویه قضایی)

جلد دهم



تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری تشکیلات و صلاحیت در دادگاه‌های کیفری بدوی/ تدوین موسی رحیمی، محمدمهدی مخبریان‌نژاد، رضا رحیمی‌دهسوری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
فروست	: دکترین و رویه قضایی؛ ج. ۱۰.
شابک	: ۲-۵۲۶-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: آیین دادرسی جزایی — ایران Criminal procedure — Iran حقوق جزا — ایران Criminal law — Iran دادگاه‌ها — ایران Courts — Iran
شناسه افزوده	: مخبریان‌نژاد، محمدمهدی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: رحیمی‌دهسوری، رضا، ۱۳۶۶ -
رده بندی کنگره	: KMH۴۶۰۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۶۹۷۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری تشکیلات و صلاحیت در دادگاه‌های کیفری بدوی (دکترین و رویه قضایی) جلد دهم
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: موسی رحیمی - محمدمهدی مخبریان‌نژاد - رضا رحیمی‌دهسوری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۲-۵۲۶-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت	: ۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست<sup>۱</sup> احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز<sup>۲</sup> و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد<sup>۳</sup> یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است<sup>۴</sup>، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفی از آن جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه‌ای ۲۰ جلدی است به تشکیلات و صلاحیت در دادگاه‌های کیفی

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾

۴. سوره صاف، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

بدوی اختصاص یافته است و به شرح و تفسیر مواد قانونی مرتبط با تشکیلات و صلاحیت در دادگاه‌های کیفری بدوی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm\_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

RezaRahimi127@yahoo.Com

## فهرست

پیشگفتار.....	۴
فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو.....	۷
بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو.....	۸
بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو.....	۱۱
فصل دوم- تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری یک.....	۴۷
بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری یک.....	۴۸
بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری یک.....	۵۲
فصل سوم- تشکیلات و صلاحیت دادگاه انقلاب.....	۶۷
بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری انقلاب.....	۶۸
بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری انقلاب.....	۷۰
فصل چهارم- تشکیلات و صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان.....	۸۳
بند ۱- تشکیلات دادگاه اطفال و نوجوانان.....	۸۴
بند ۲- صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان.....	۸۶
فصل پنجم- تشکیلات و صلاحیت دادگاه بخش.....	۹۳
فهرست منابع.....	۹۶



# فصل اول – تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو



## بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو

**ماده ۲۹۴-** دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

در رسیدگی‌های کیفری اولین نکته که باید مورد توجه قرار گیرد، صلاحیت است یعنی این که ابتدا با توجه به نوع جرم، صلاحیت ذاتی دادگاه تعیین شود سپس بررسی شود که از بین دادگاه‌های متعددی که صلاحیت ذاتی دارند، کدام یک شایستگی ویژه برای رسیدگی به جرم ارتكابی را دارد. این نوع شایستگی را صلاحیت محلی یا نسبی می‌نامند (مواد ۱۱۶ تا ۱۱۹ همین قانون) البته گاهی صلاحیت مراجع کیفری به اعتبار سمت اداری- اجتماعی و یا وضعیت خاص شخصی مرتکب، تعیین و مشخص می‌گردد؛ درحقیقت این امر استثنائی به قواعد کلی صلاحیت محلی است که به آن صلاحیت شخصی می‌گویند (مواد ۳۰۷ و ۳۸ این قانون) (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲ ص ۴۴۱ تا ۴۶۴).

و نوجوانان به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی (نه تخصصی) محسوب می‌شود حال آن‌که پیش‌ازاین صرفاً یک مرجع تخصصی و یکی از شعب دادگاه عمومی قلمداد می‌شد.

در امور کیفری سه نوع صلاحیت داریم: ذاتی، محلی و شخصی. حقوق‌دانان دو نوع دیگر صلاحیت شامل صلاحیت نسبی و صلاحیت اضافی را نیز مطرح کرده‌اند که در بطن همان صلاحیت‌ها نهفته است. منظور از صلاحیت نسبی آن است که هر یک از دادگاه‌ها از حیث میزان مجازات، صلاحیت رسیدگی به کدام جرائم را دارند مانند صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه کیفری دو (مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ این قانون) و منظور از صلاحیت اضافی، توسعه صلاحیت به معنای دادن صلاحیت اضافه به مرجع قضائی است. (ماده ۳۱۱ این قانون) (ر.ک: مصدق، آ.د.ک، ص



۴۲۲). تعیین صلاحیت مرجع قضائی ویژه روحانیت نیز یکی از دادگاه‌های کیفری با صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی به شرح مندرج در آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ است. عدم ذکر دادگاه ویژه روحانیت در ماده فوق به معنای حذف آن از شمار دادگاه‌های کیفری نیست بلکه به لحاظ عدم تعلق تشکیلاتی آن به قوه قضائیه و استناد به موجودیت و صلاحیت آن به آیین‌نامه فوق است. (خالقی، آ.د.ک، صص ۲۸۷ و ۲۸۸).

دادگاه انقلاب که در قانون پیشین قسیم دادگاه‌های عمومی اعم از کیفری و عمومی بود، در ماده بالا از اقسام دادگاه کیفری به شمار آمده، در نتیجه تمامی احکام مذکور در این قانون در مورد دادگاه‌های کیفری از قبیل قابلیت تجدیدنظرخواهی از آراء شامل دادگاه انقلاب نیز می‌شود.

صرف نظر از این که در خصوص تعیین صلاحیت مرجع قضائی در جرائم کلاهبرداری رایانه‌ای و مزاحمت تلفنی به ترتیب، آرای وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱ و ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱ صادرشده است، با توجه به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مستنبط از مواد ۵۱ الی ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ (مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، تشخیص صلاحیت هر دادگاه یا مرجع قضایی، با خود آن دادگاه یا مرجع است که باید بر اساس قانون، صورت پذیرد و مطابق قسمت اخیراصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین صلاحیت دادگاه‌ها، منوط به حکم قانون است، بنابراین، امکان تعیین یا تغییر صلاحیت مراجع قضائی با صدور بخشنامه، منتفی است. (نظریه ۷/۹۴/۵۵۱-۲/۳/۹۴/۱۳۹۴.ح.ق).

با توجه به صراحت ماده ۵۴ قانون

دادگاه محل خارج است) ماده ۲۷۱ (مرجع صالح جهت حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض) مواد ۲۹۴ تا ۳۱۸ (تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو، یک، اطفال و نوجوانان و...) و مواد ۵۹۷ تا ۶۰۱ (صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی) و مواد ۶۶۴ تا ۶۶۵ در زمینه صلاحیت جرائم رایانه‌ای مراجعه شود.

از قانون اساسی اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۵: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد. ۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی.

مجازات اسلامی ۱۳۹۱، لغو «قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات» صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم محکومیت قطعی یکی از جرائم موضوع ماده مذکور را که محکوم در مدت تعلیق مرتکب شده است، صادر نموده است، اعم از این که این دادگاه، دادگاه نظامی باشد یا عمومی یا انقلاب و یا در همان حوزه قضائی دادگاه صادرکننده قرار تعلیق مجازات باشد یا در حوزه قضائی دیگر، زیرا دادگاه اخیر با رعایت صلاحیت ذاتی و محلی به جرم ارتكابی در مدت تعلیق رسیدگی می‌کند و به ماهیت جرمی که مجازات آن تعلیق شده وارد نمی‌شود تا منافاتی با صلاحیت ذاتی و محلی داشته باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۵۲-۱۹/۸/۹۴.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون به مواد ۲۲ تا ۲۷ (دادسرا و حدود صلاحیت آن) ماده ۷۸ (اقدامات لازم در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت

**ماده ۲۹۵-** دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

با توجه به این ماده، دادگاه کیفری دو فقط در شهرستان است لذا در حوزه قضائی بخش این دادگاه تشکیل نمی‌شود. برای شناخت میزان صلاحیت این دادگاه به ماده ۳۰۱ این قانون رجوع شود. این ماده در خصوص قضات دادگاه است و در مورد قضات دادسرا مطابق ماده ۴۲۴ همین قانون باید عمل می‌شود.

به رسیدگی به پرونده‌هایی است که به شعبه تحت تصدی و مدیریت وی ارجاع می‌گردد و رئیس شعبه هر چند عنوان «دادرس» در معنای اعم را دارد ولی «دادرس علی‌البدل» تلقی نمی‌گردد و تفاوت بین «رئیس شعبه» با «دادرس علی‌البدل» در همین امر می‌باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۵۰۸ - ۹۴/۹/۱۷ ا.ح.ق).

رئیس شعبه دادگاه، منحصراً مجاز

## **بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو**

**ماده ۳۰۱-** دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

می‌توان گفت جرائم زیر در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود: الف- جرائمی که مجازات آن‌ها از نوع مجازات‌های تعزیری درجه چهار تا هشت باشد. ب- جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیهی آن‌ها از نصف دیهی کامل کمتر باشد. ج- کلیه جرائم غیرعمدی

علیه تمامیت جسمانی با هر میزان د- جرائم موجب مجازات حد مگر این که موجب سلب حیات، حبس ابد و یا قطع عضو باشد. (ر.ک: مصدق، آ.د.ک، ص ۳۸۰).

چون منظور از صلاحیت ذاتی، شامل نوع دادگاه‌ها یعنی صلاحیت بر اساس عمومی یا اختصاصی بودن

مرجع رسیدگی نیز می‌گردد و با توجه به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که طی آن، صلاحیت‌های دادگاه‌های کیفری یک و دو به تفکیک بیان شده است و با لحاظ تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون فوق‌الذکر که دادگاه‌های کیفری استان به دادگاه‌های کیفری یک و دادگاه‌های عمومی جزائی به دادگاه‌های کیفری ۲ تبدیل می‌شوند و نیز توجهاً به ماده ۲۷۱ این قانون که مداخله دادگاه‌های کیفری دو را در حل اختلاف دادستان و بازپرس ناظر برجای می‌داند که دادگاه کیفری یک (صالح به رسیدگی اتهام) در محل، تشکیل نشده باشد، بنابراین صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه‌های کیفری دو ذاتی محسوب می‌گردد. (نظریه ۷/۹۴/۳۴۹-۱۳۹۴/۲/۳۰. ا.ح.ق.) با توجه به صراحت ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، در تعریف عنوان قاچاق که مختص وارد و صادر کردن اشیاء موصوف در آن ماده است، در این صورت فقط جرم قاچاق مواد مذکور، در دادگاه انقلاب اسلامی قابل رسیدگی است و فی الجمله، سایر عناوین خرید و فروش و نگهداری و حمل این موارد، در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی جزائی است و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معناست. بنابراین رسیدگی به جرم نگهداری سلاح غیرمجاز، در صلاحیت دادگاه جزایی بوده و لذا واخواهی نسبت به رأی غیابی دادگاه مزبور نیز در همان دادگاه صادرکننده حکم غیابی صورت خواهد گرفت، ضمناً قانون قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰، قانون خاص بوده و از شمول احکام مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ خارج است. (نظریه ۷/۹۴/۳۲۳-۱۳۹۴/۲/۷. ا.ح.ق.)

اولاً با توجه به این که بر اساس ماده

فوق‌الذکر صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری از نوع صلاحیت ذاتی می‌باشد، بنابراین ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری اعم از کیفری دو و یک و... (شعب جزایی) مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد بلکه بر آن‌ها (دادگاه‌های کیفری) اطلاق می‌شود. ثانیاً حدود صلاحیت هر قاضی بر اساس ابلاغ قضائی وی مشخص می‌گردد و چنانچه سمت قضائی قاضی دادرسی دادگاه کیفری دو باشد با توجه به تفاوت صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو با دادگاه‌های عمومی حقوقی ارجاع پرونده مربوط به دادگاه حقوقی به دادرسی مذکور فاقد وجاهت قانونی است. (از نظریه ۷/۹۶۴- ۹۵/۴/۲۷. ا.ح.ق).

در مواردی استثنایی و از باب ضرورت قضات دادگاه اعم از کیفری یا حقوقی مجاز به مداخله در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های

۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شود و به‌موجب این قانون صلاحیت هر یک از این دادگاه‌ها برای رسیدگی به امور کیفری مشخص شده است و با توجه به این‌که به‌موجب ماده ۵۷۰ این قانون موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از جمله ماده ۱ آن در حدی که مربوط به امور کیفری است نسخ صریح شده است و با عنایت به این‌که تجویز ارجاع پرونده‌های حقوقی به شعب کیفری دادگاه‌های عمومی و پرونده‌های کیفری به شعب حقوقی این دادگاه‌ها در موارد ضرورت به‌موجب ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به‌این‌علت بود که شعب کیفری و حقوقی هر دو شعبی از دادگاه‌های عمومی بودند اما با اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید از تاریخ ۱/۴/۱۳۹۴ و تشکیل دادگاه‌های کیفری به شرح

ذاتی می‌باشد، بنابراین، ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است. ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری، اعم از کیفری دو و یک و... «شعبه جزائی» مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده، اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد، بلکه بر آن‌ها «دادگاه کیفری» اطلاق می‌شود. در فرض سؤال نیز دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای شورای حل اختلاف در امور حقوقی را ندارد. (نظریه ۷/۹۴/۲۳۱۹-۷/۹۴/۸/۲۷-۱۳۹۴ ا.ح.ق).

رسیدگی به دعاوی مدنی از جمله استثنائات مقرر از سوی قانون‌گذار بر صلاحیت محاکم جزایی است لذا صرفاً ضرر و زیان مستقیم ناشی از جرم در دادگاه کیفری قابل مطالبه است و سایر ادعاها باید در دادگاه حقوقی مطرح شوند. (ر.ک: مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، بهمن ۱۳۹۱، ص ۷۵).

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات

مربوط به دادرسی می‌باشند که در تبصره ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به آن اشاره شده است و در خصوص افرادی که در راستای اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در بازداشت می‌باشند نیز در صورتی که به هیچ وجه دسترسی به قضات دادگاه نباشد در حد ضرورت اقدام قضات دادرسی بلامانع به نظر می‌رسد. (از نظریه ۷/۹۶۴-۷/۹۵/۴/۲۷ ا.ح.ق).

رسیدگی به جرائم موضوع فصل هفتم قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ وفق عموماً آیین دادرسی کیفری و علی‌الاصول در دادگاه عمومی (کیفری) رسیدگی می‌شود، زیرا صلاحیت دادگاه خانواده که امری استثنایی و مستلزم تفسیر به قدر متیقن است، منحصر به موارد ۱۸ گانه مذکور در ماده ۴ قانون یادشده می‌باشد. (از نظریه ۷/۹۳/۲۳۰۵-۷/۹۳/۹/۲۴ ا.ح.ق).

صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری، از نوع صلاحیت

و عرف و سابقه قانون‌گذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتلیجه صلاحیت دادگاه است. (وحدت رویه شماره ۷۴۴-۱۹/۸/۱۳۹۴ دیوان عالی کشور).

هرچند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ از مصادیق کالای ممنوع است، لکن نگهداری آن فی حدّ ذاته اگرچه عملی مجرمانه و مستوجب مجازات است، ولی با توجه به معنای خاص قاچاق به شرحی که در بند الف ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده و تمیزی که قانون‌گذار بین عناوین مذکور در قانون یادشده قائل شده است، داخل در عنوان قاچاق نبوده و به همین جهت از حیث صلاحیت

اسلامی، قانون‌گذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین درعین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آن‌ها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آن‌ها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به‌منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یادشده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به‌عنوان «بديل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است